



بررسی مراکز علمی - آموزشی بغداد در دوران آل بویه

تهمینه رئیس السادات^۱

۱. استادیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.^۱

چکیده

آل بویه خاندانی از دیار املش در گیلان بودند که در سال ۳۲۱ هجری، حکومتی با تفکر و نگرش شیعه ایجاد کردند. آل بویه به همت سه برادر به نام‌های علی حسن و احمد، برگ جدیدی در تاریخ میانه ایران و عراق رقم زدند. ایشان بعد از حکومت سنی مذهب غزنوی و پیش از حکومت تسنن سلجوقی، به شیعه جانی تازه دادند. آل بویه چه در زمینه سیاسی و چه فرهنگی و علمی جایگاه والایی را از آن خود کردند؛ ایشان نه تنها مشوق علم و اندیشه بودند بلکه در سایه حمایت بزرگان و عالمان و امرای بویه‌ای، ایران و عراق به خصوص شهرهای ری، اصفهان و بغداد از معروف‌ترین شهرهای فرهنگی روزگار شدند. این شهرها همواره کانون فرهنگی و علمی و ادبی در دوره آل بویه بود. در این میان شهر بغداد در زمان ۲۲ سال حکومت معز الدوله بویه‌ای و پس از وی عضدالدوله دیلمی چنان به لحاظ فرهنگ و دانش رونق یافت که یکی از مقاصد سفرهای علمی عالمان ایرانی به آن شهر نیز گشته بود. پژوهش حاضر به بررسی مراکز علمی و آموزشی شهر بغداد در دوران حاکمیت امرای بویه‌ای به این سرزمین می‌پردازد. در دوران حاکمیت ایشان نهادهای علمی و تمدنی همچون کتابخانه‌ها، مساجد و بیمارستان‌ها و دارالعلم‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شدند تا آنجا که بزرگانی همچون شیخ مفید، شیخ طوسی، سید رضی و سید مرتضی و دیگر بزرگان شیعه به آزادی به آراء و اندیشه‌های خود پرداختند. **کلیدواژگان:** آل بویه، مراکز علمی، عضدالدوله دیلمی، بغداد، مساجد، کتابخانه‌ها، سفرهای علمی.

۱-مقدمه

از مهم‌ترین مباحثی که می‌توان در شناخت و عوامل پیشرفت یک جامعه به آن توجه داشت، بررسی جایگاه علمی و آموزشی آن جامعه است. تعداد علما و دانشمندان، تعداد مراکز و نهادهای علمی، سفرهای علمی یا همان رحله‌ها، سیاست حاکمان هر عصر نسبت به وضعیت علمی و آموزشی، از مهم‌ترین موضوعات موردتوجه پژوهشگران در حیطه تاریخ فرهنگ و تمدن می‌باشد. خاندان آل بویه از جمله خاندان‌های حکومتگر در قرن چهارم در ایران و عراق بودند که نه تنها حدود ۱۲۰ سال با اندیشه سیاسی شیعی خود حکم راندند و فرمانروایی کردند؛ بلکه

¹. Email: tahmineh.r@um.ac.ir

به لحاظ تفکر فلسفی و ماهوی شیعی، بر بنیادهای علم و دانش و فرهنگ توجه ویژه‌ای داشتند. خاندان آل بویه نقطه عطفی در تاریخ ایران و بغداد به وجود آوردند چه اینکه ایشان اولین حکومت ایرانی بودند که توانستند آمال حکومت‌های پیشین ایرانی را تحقق بخشیده و برخلاف عباسی مسلط شوند و از طرفی دربار امیران آل بویه پناهگاه دانشمندانی بود که به مقام وزارت و صدارت رسیده بودند. ابوالفضل محمد بن حسین معروف به ابن عمید وزیر رکن‌الدین بویه‌ای و صاحب بن عباد وزیر مؤید الدوله و فخرالدوله بویه‌ای و ابوعلی سینا وزیر شمس الدوله دیلمی از جمله این بزرگان هستند. در خصوص جایگاه علمی و فرهنگی خاندان آل بویه، نشر و گسترش آن در قرن چهارم و حیات علمی و اجتماعی در این قرن در کتب مربوط به عصر ایشان پرداخته و تحلیل شده است.

پژوهش حاضر بر روی این مسئله تکیه دارد که پس از تسلط آل بویه بر بغداد، چه مراکز علمی و آموزشی در این شهر بنا شدند و یا بیش‌ازپیش موردتوجه و استفاده قرار گرفتند و اینکه عالمان و بزرگان در چه نهادهای علمی به نشر و توسعه و گسترش علم خود می‌پرداختند؟ اگرچه باید توجه داشت خاندان‌ها و حاکمان آل بویه در سایر شهرهای مهم عراق عرب یعنی نجف، بصره، کوفه و کربلا به ایجاد پایگاه‌های علمی پرداخته بودند که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

کتابخانه حبشی بن معزالدوله او این کتابخانه را در بصره در سال ۳۵۰ قمری ایجاد و بنا کرد و بر طبق گفته مورخان در زمان وی، حدود ۱۵ هزار جلد کتاب داشته است. این موضوع اهمیت بالای این کتابخانه را نشان می‌دهد. این کتب غیر از جزواتی است که جلد نشده بود (همایون فرخ، ۱۳۴۷: ۶/۲).

کتابخانه‌ی ابوعلی سوار: وی یکی از کاتبان عضدالدوله دیلمی بود. ابوعلی کتابخانه‌ای یکی در شهر بصره جهت طالبان علم دایر نمود و همچنین برای کسانی که از آن کتابخانه استفاده میکردند، مقرری تعیین کرد و در کتابخانه بصره، بزرگان معتزله مشغول تدریس علم کلام بودند (ایمانی فر، ۱۳۸۹: ۲۶۳).

کتابخانه حیدریه در نجف: کتابخانه حیدریه در نجف یکی از کهن‌ترین و مشهورترین کتابخانه‌های سرزمین عراق عرب بوده است که در قرن چهارم در دوران حاکمیت آل بویه ساخته شد. این کتابخانه به اسامی دیگری هم معروف بود از جمله به آن الخزانة الغرویة، مکتب الصحن الشریف و خزانه کتب الامام علی (ع) نیز می‌گفتند. نقل می‌کنند که پادشاهان، شاهزادگان، وزیران و دانشمندان سالیان دراز یکی بعد از دیگری از این کتابخانه حمایت و مراقبت کرده‌اند. مهم‌ترین

فردی که نامش پیوند نزدیکی با کتابخانه حیدریه دارد، عضدالدوله دیلمی است (ایمانی فر، ۱۳۸۹: ۲۶۳؛ السباعی، ۱۳۷۳: ۱۲۴؛ الدجیلی، ۱۳۹۳ق: ۵۹۵). عضدالدوله، علاقه زیادی به دانش و معارف داشت و مستمری قابل ملاحظه‌ای برای فقها و علما و مفسران قرآن و محدثان و متکلمان و شاعران، اطباء و منجمان و ریاضی‌دانان و مهندسان در نظر گرفته بود. از این روی، جوانان تشویق زیادی به علم آموزی می‌شدند (ابن جوزی، بی‌تا: ۲۸۹؛ کبیر، ۱۳۸۴: ۹۵). کتابخانه حیدریه، بسیاری از کتاب‌های مجموعه نسخ خطی بزرگ و با ارزش خود را مدیون سخاوت افرادی از پادشاهان، امرا، دانشمندان و افراد ثروتمند عراق است یکی از افرادی که برای غنی ساختن این مجموعه کوشیدند، عضدالدوله دیلمی است. کتابخانه حیدریه (غروه) در آرامگاه حضرت امیر(ع) دارای مخازن بسیار بزرگ و کتابهای نفیس و نخستین کسی که این کتابخانه را تاسیس و آن را وقف آستانه حضرت علی (ع) کرد عضدالدوله دیلمی بود. البته در سال ۷۵۰ قمری حریق در آرامگاه حضرت علی (ع) رخ داده و قسمت اعظم کتابخانه مبارک سوخت اما تا سال ۷۵۷ هجری هنوز برخی از کتابها باقی مانده و مورد استفاده قرار می‌گرفتند (همایون فرخ، ۱۳۴۷: ۱۸۹/۲؛ سعیدی رضوانی، ۱۳۶۸: ۹۲).

مدرسه عضدی در کربلا: یکی از قدیمی ترین مدارس شهر کربلا، مدرسه عضدی می‌باشد که این مدرسه نیز در زمان حاکمان شیعه مذهب آل بویه در این شهر ساخته شد. هنگامی که عضدالدوله فنا خسرو، به زیارت قبر سید الشهداء (ع) مشرف شد دستور ساخت آن را داد. این مدرسه در دوران صفویه پابرجا بود و پس از انقراض صفویه رو به ویرانی نهاد تا اینکه در سال ۱۳۶۸ هجری، هنگام ایجاد فلکه در اطراف صحن شریف این مدرسه تخریب شد. عضدالدوله مدرسه دیگری بنا نهاد که در آن به صحن کوچک محل دفن سلاطین آل بویه راه داشته است و این مدرسه نیز تخریب شده و اثری از آن نیست (فتح الله پور، ۱۳۸۳: ۱۳۰؛ شهیدی صالحی، ۱۳۷۴: ۱۶۱). اما این پژوهش صرفاً مراکز علمی و آموزشی در شهر بغداد را مد نظر خواهد داشت. مدارس، مساجد، کتابخانه‌ها، دارالعلم‌ها، بیمارستان‌ها و منازل علما و دانشمندان از مهمترین مراکز علمی و آموزشی در بغداد است که با حمایت حاکمان و بزرگان آل بویه در این شهر ساخته شدند.

۲- فضای علمی در دوران آل بویه

در خصوص فضای علمی در دوره آل بویه، علی‌رغم مذهب تشیع ایشان، آنان به همان سیاق سامانیان حنفی، مروجان علم و دانش و پیشرفت در عرصه فرهنگ و تمدن بودند. تسامح مذهبی که بر خَلقیات سیاسی آنان استوار بود؛ باعث شد تا افراد شایسته را بدون توجه به گرایش‌ها و

ایدئولوژی مذهبی، جذب کنند. در این دوران، تلاش‌های علمی و حضور عالمان مسیحی و یهودی و زرتشتی نمایانگر این مطلب است و ثانیاً این تلاش‌های علمی محدود به رشته‌ای خاص در علوم نقلی یا علوم عقلی نبود بلکه تا حد ممکن همه رشته‌ها و علوم را در برمی‌گرفت که از جمله میتوان به: فقه و کلام و تفسیر قرآن و حدیث به علوم دیگر همچون فلسفه و منطق و طب و نجوم نیز اشاره کرد و به همین واسطه موجبات شکوفایی سایر زمینه‌های علمی را فراهم می‌آوردند. در دوران ایشان، تعدد بیمارستان‌ها و رصدخانه‌ها در زمان آنها گسترش یافت از جمله می‌توان به بیمارستان عضدی در شیراز، بیمارستان عضدی در بغداد، بیمارستان واسط، بیمارستان اصفهان، که ابن مندویه اصفهانی پزشک برجسته در آن طبابت می‌کرد، اشاره کرد (اروجی و کاظم زاده، ۱۳۹۵: ۲۴).

رصدخانه‌ها نیز در دوره آل‌بویه، رشد و پیشرفت چشمگیری داشت. رصدخانه ابوالفضل عمید در ری، رصدخانه عضدالدوله در سال ۳۵۹ در شیراز، رصدخانه عزالدوله بختیار در بغداد. رصدخانه اصفهان که توسط ابن سینا و شاگرد او ابوعبید جوزجانی در سال ۴۳۳ ساخته شده بود. برخی از این دانشمندان که در حیطه نجوم در دوره آل‌بویه به فعالیت می‌پرداختند از اقلیت‌های دینی بودند از جمله ابواسحاق ابراهیم هلال بن صابی که مذهب صابئی داشت و ابوسعید فضل و نظیف بن رومی که مسیحی بودند (بیگی و صبور فر، ۱۳۹۶: ۱۳).

عصر آل‌بویه از نظر کتاب و کتابخانه نسبت به دوران‌های دیگر امتیاز ویژه‌ای داشت. در آن زمان دانشمندان، نفیس‌ترین و بهترین کتاب‌ها را در هر رشته‌ای در علم و ادبیات به رشته تحریر در آوردند و کتابخانه‌هایی در ایران و عراق تأسیس شد که شاید در هیچ زمانی مانند آنها به وجود نیامد. از جمله کتابخانه عضدالدوله در شیراز. مقدسی از کسانی است که خود، کتابخانه عضدالدوله در شیراز را دیده است و شرح مفصل درباره آن نوشته و می‌گوید: «هر کتابی که تا زمان عضدالدوله درباره هر علمی نوشته شده بود در این کتابخانه وجود داشت. کتاب‌های مربوط به هر علم و فنی و در حجره‌ای جداگانه نهاده شده است» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۴۴۹).

همت و مساعی آل‌بویه در پیشبرد مسائل علمی و فرهنگی قابل ستایش است و اوج آن را می‌توان در اقدامات عضدالدوله مشاهده کرد وی مشوق علما و دانشمندان بود و در جهت ساخت مراکز آموزشی مساجد و بیمارستان‌ها تلاش فراوانی نمود و در نظر داشت تا آنها را مطابق الگوی بیمارستان جندی شاپور تأسیس کند. در این بیمارستان‌ها، تمامی کارهای پزشکی و داروسازی انجام شد (الگود، ۱۳۵۶: ۹۳؛ عاملی، ۱۳۹۰: ۱/ ۲۴۹)؛ اما پس از عضدالدوله، این زمامداری در حیطه مسائل فرهنگی مدت طولانی دوام نیافت زیرا فرمانرویان آل‌بویه بعد از عضدالدوله، اکثراً دچار نفاق داخلی شدند. رقابت‌های دیلمیان و چند دستگی آنان برای کسب

قدرت کامل و تسلط بر مناطق تحت قلمرو بود و سرانجام دولت آن‌ها نیز سیر نزولی در پیش گرفت. در این حین، قابوس بن وشمگیر در سال ۳۸۸ هجری گرگان و طبرستان را به تصرف در آورد و پس از چند سال نیز در سال ۴۲۰ هجری مجدالدوله بویه‌ای در مقابل محمود غزنوی شکست خورد (گراوند و سوری، ۱۳۹۶: ۱۵؛ لین پل، ۱۳۶۳: ۱/ ۲۴۲).

۳- نهاد و مرکز آموزشی

اگر بخواهیم تعریفی از نهاد یا موسسه داشته باشیم، شاید بتوان اینگونه بیان کرد که نهاد از یک مجموعه ثابت شامل ارزش‌ها و هنجارها و نقش‌ها و گروه‌هایی که حول یک نیاز اجتماعی هستند به وجود می‌آید. تعریف دیگری نیز می‌توان برای آن مدنظر داشت و اینکه یک نهاد یا موسسه در برگیرنده مفهوم انتقال فرهنگی از شخصی یا گروهی به شخص یا گروهی دیگر را معنا می‌کند. نهاد، در مفهوم عام خود یک مکان آموزشی است که متخصصان آموزشی و همچنین محل‌ها و تجهیزات لازم برای آموزش در آن پیش‌بینی شده‌اند (عابدینی و قهرمانی، ۱۳۹۰: ۱۶۵). در پژوهش حاضر منظور از مراکز علمی، نهادها یا موسساتی هستند که افراد در آنجا به آموزش و تحقیق و ترجمه علوم می‌پرداختند و در برگیرنده مساجد و رصدخانه و بیمارستان و کتابخانه‌ها و مدارس می‌باشد.

از نظر آگ برن و نیم‌کوف، «نهاد به شبکه‌ای پیچیده از پویش‌های اجتماعی گفته می‌شود که به هدف یا هدف‌های مهم و معینی، ناظر است و کل یگانه‌ای به شمار می‌آید. شبکه پویش‌های اقتصادی و شبکه پویش‌های خانوادگی به منزله مهم‌ترین نهادهای اجتماعی هستند. در این میان، شبکه پویش‌های آموزش و پرورش که اکنون نهادی مستقل است در زمان‌های گذشته وابسته به نهادهای خانوادگی، دینی و اقتصادی بوده است» (آگ برن و نیم‌کوف، ۱۳۵۷: ۳۳۲). نهاد آموزشی از بنیادی‌ترین نهادها در جامعه و به جهت هویت بخشیدن به آن، به شمار می‌آید. وظیفه آن نیز فراگرفتن انواع دانش‌ها و آگاهی‌ها و به کار بردن آن‌ها و تکامل بخشیدن و انتقال آن از نسلی به نسل دیگر است. نهاد آموزشی در پیوند با خانواده و دیگر نهادها و شرایط خاص تاریخی همواره عملکرد متفاوتی داشته است (همایون، ۱۳۸۲: ۱۴).

معمولاً اهداف آموزشی در مراکز علمی، تابع اوضاع سیاسی و اجتماعی دینی و اقتصادی و فرهنگی زمانه خویش است. این اهداف می‌تواند کسب رضایت خداوند، فریضه بودن کسب علم و احساس تکلیف در برابر آن، خدمت به مردم در جامعه بدون انتظارات مادی باشد. از طرف دیگر، اگر در جهت اهداف مادی دنبال می‌شد، کسب شغل و پیشه برای به دست آوردن حداقل معیشت و رسیدن به مقامات دولتی و اجتماعی مد نظر بود. اغلب طالبان علوم در قرون اولیه اسلامی تحصیل علم را نوعی عبادت دانسته و برای تقرب به خدا به آن اشتغال می‌ورزیدند

. اگرچه که نمی‌توان تاثیر علوم و دانش‌های این دوره که بیشتر علوم دینی بود را در این شیوه تفکر نادیده گرفت (صفرزایی، ۱۳۹۶: ۱۳۵). به تدریج، مراکز علمی از تنوع و تعدد بسیار برخوردار شدند و هم نقش برجسته‌ای در پرورش و گسترش علوم و فنون ایفا کردند. از جمله این نهادهای آموزشی می‌توان به مسجد، مدرسه، بیت‌الحکمه، دارالعلم، نظامیه‌ها و بیمارستان‌ها و رصدخانه‌ها اشاره کرد. همان‌طور که پیشتر نیز اشاره گردید در نتیجه تشویق و توصیه‌های مکرر اسلام به کسب علم و ستایش از عالمان و فضیلت و جایگاه علم‌آموزی و دانش‌اندوزی، علم و آموزش، مورد توجه مسلمین قرار گرفت. مساجد جامع، مدارس که به منزله نهادهای مستقل و سازمان‌یافته علمی مدنظر بودند، اماکن عمومی مانند رباط‌ها، خانقاه‌ها و کتابخانه‌ها، محل اجتماع طلبه علم بود. تعلیم و تربیت آداب خاصی داشت که از سوی استاد و طالب علم مراعات می‌شد. یادگیری ابتدا در زادگاه و شهرهای نزدیک انجام می‌شد و پس از کسب علم از عالمان نام‌دار، به شهرهای دورتر جهت تکمیل معلومات علمی خود به رحله (سفر علمی) می‌رفتند (ناجی، ۱۳۸۶: ۴۷۵).

مدرسه: جایی که در آن درس می‌دهند، آموزشگاه، آموزشگاهی که از طرف دولت یا توسط شخص یا اشخاصی تاسیس شود (معین، ۱۳۴۵: ۳/۳۹۶۶). جایی که در آن تحصیل علوم عالیه می‌کنند. دارالعلم، دانشگاه (نفیسی، ۱۳۴۳، ۵/۳۲۲۰). واژه مدرسه بر دو مفهوم گوناگون اطلاق می‌شود: «مفهوم نخست آن، آیین فکری است و بسا شخصی خاص آیین ویژه‌ای داشته باشد و این چنان است که کاوش و نگارش شیوه‌ای را در پی گیرد. گویند مدرسه افلاطونی که مقصود از آن شیوه‌ای است که افلاطون و پیروان شیوه او در فلسفه به جای نهادند. گاهی نیز گروهی از مردم مدرسه یا آیین فکری ویژه‌ای دارند. چنان که گاه شهری مدرسه‌ای جداگانه دارد. چنان که گویند مدرسه بصره یا مدرسه شام. مفهوم دوم واژه مدرسه همان مراکز علمی و جایگاهی است که کسی در آن‌جا دانش‌های گوناگون را می‌آموزد. این واژه در اسلام متناسب با دگرگونی امت» (رفاعی، ۱۳۹۲: ۵۵۱).

مدارس در قرون مورد نظر، به دو بخش تقسیم می‌شدند ۱- مکتب‌خانه‌ها، که از دوران نخستین اسلام به وجود آمد و خردسالان به آن‌جا می‌رفتند و مقدمات خواندن و نوشتن قرآن و علوم دینی را می‌آموختند. ۲- مدرسه‌هایی که برای بزرگسالان پس از سده چهارم هجری بنیان نهاده شده و نویسندگان، در آن روزگار، آن‌ها را به دانشکده‌ها و دانشگاه‌های کنونی مانند می‌کردند. زیرا دانشجویانی به آن‌جا می‌رفتند که آموختن قرآن را تمام کرده باشند و از بسیاری پایه‌ها و مقدمات علمی آگاهی داشتند سپس به این مدارس می‌آمدند تا در دانشی تخصصی پیدا کنند (رفاعی، ۱۳۹۲: ۵۵۵؛ فینستر، ۱۳۹۲: ۵۲). مدارس دارای موقوفاتی بوده‌اند که تولید آن از

طرف واقف به اشخاصی واگذار می‌شد و حقوق مدرس و نایب مدرس و معید و تعمیرات آن نیز از راه موقوفات فراهم می‌آمده است. در زمانی که تعداد شاگردان زیاد بود و صدای مدرس به همه نمی‌رسید، دونفر به نام معید، بازگو کننده درس بودند که در کنار مدرس می‌ایستادند و بیانات او را تکرار می‌کردن. (مصاحب، ۱۳۷۴: ۲۷۱۶/۲؛ (Brand, 1986, "Madrasa", 5/ 1123).

مسجد: مزکت. محلی که مسلمانان در آن نماز می‌گذارند. مسجد آدینه یا مسجد جمعه مسجد بزرگی در هر شهر است که در روزهای جمعه در آن نماز جمعه برگزار می‌شود (معین، ۱۳۴۵: ۴/ ۴۱۰۷؛ نفیسی، ۱۳۴۳: ۵/ ۳۳۱۲). مسجد جایگاه اصلی برای آموزش اسلامی بود. چرا که حلقه‌های درس در آغاز اسلام در مسجد بر پا می‌شد. مسجد در تاریخ اسلام از اهمیت خاصی در امر آموزش برخوردار بوده است زیرا در آغاز ظهور اسلام و حکومت خلفای راشدین مراکز تعلیم اسلامی عبارت از مساجد و احياناً برخی از اماکن عمومی و خصوصی بوده است. نکته مهمی که باید به آن توجه کرد استفاده از مساجد، به عنوان نخستین مرکز تعلیم و تربیت در تاریخ اسلام است. این وظیفه به عنوان یک واجب دینی از ابتدای ظهور اسلام توسط پیامبر (ص) مطرح شد. چون آموزش در چند دهه اول ظهور اسلام مربوط به دستورات دینی بود و ضرورت داشت که مسلمانان با مفاهیم مذهبی آشنا شوند، لذا مساجد که در ابتدا به قصد عبادت و پرستش ساخته شده بودند، سپس برای انجام امور آموزشی نیز به کار می‌رفت. این آموزش هم شامل مسائل عقیدتی و هم آموزش خواندن و نوشتن بود (ثواقب، ۱۳۸۱: ۱۰۲؛ سلطان زاده، ۱۳۹۵: ۳۶۴).

۴- شهر بغداد به لحاظ پیشینه علمی - تمدنی در دوران خلفای عباسی

سیاست خلفای عباسی از همان آغاز این بود که از بغداد یک کانون علمی و آموزشی بسازند. آنان می‌خواستند تا این شهر با دمشق، پایتخت خاندان اموی رقابت کند. منصور عباسی پایه‌گذار بغداد گروه بزرگی از دانشمندان سراسر کشورها را به بغداد فراخواند. موقعیت شهر بغداد عاملی مهم در کامیابی و پیروزی آن بوده است به همین دلیل بود که گروه انبوهی از دانشمندان در سراسر سده‌ها از بغداد دیدار کردند. تقریباً همه کاروان‌هایی که از خراسان به مکه می‌آمدند از بغداد می‌گذشتند. بغداد به علت واقع شدنش در دجله مستقیماً و درست مانند بصره و دیگر بخش‌های ناحیه شمالی با دریا پیوند داشت. جاده‌های خاکی از بالا آن را به مصر و سوریه متصل می‌کرد. دانشمندان در مسافرت به بغداد از هر نقطه‌ای در جهان اسلام که می‌خواستند راهی شوند، دشواری نداشتند. کاروان‌های حج از بسیاری جهات برای بغداد مهم بود. این کاروان‌ها، فرصت مناسبی برای دانشمندان و اهل علم و دانش بود؛ زیرا آنان که با این کاروان‌ها راهی

می‌شدند، می‌توانستند در بین راه با طالبان علم در شهرهای مختلف دیدار و گفتگو داشته باشند و به مباحث علمی بپردازند و همچنین جلسات علمی بسیاری در همین شهرها تشکیل می‌شد. باید توجه داشت مکتب‌های فکری و رشته‌های علمی که بر سر راه‌های کاروان‌ها، قرار نداشت هیچ‌گاه مجال ظهور و بروز نمی‌یافت (احمد، ۱۳۶۸: ۳۹).

۵- مسجد جامع منصور در بغداد

زمینه مساعد آزاداندیشی و وجود آزادی فکری در رونق هرچه بیشتر مساجد به‌ویژه در زمینه علمی و فرهنگی تأثیرگذار بوده است و حمایت آل بویه از مذهب تشیع و اهتمام شیعیان به مساجد و آموزش در آن‌ها موقعیت ممتازی را برای علما و دانشمندان این مذهب فراهم ساخت تا به بیان عقاید خود بپردازند. آن‌ها در مساجد خاصی به امر آموزش می‌پرداختند. برخی از این مساجد به نام همان عالمی بود که در آن تدریس می‌کرد و به نام آن‌ها معروف بود. چنانکه شیخ مفید می‌نویسد: «ابوالحسن علی بن نصر در مسجدش در عکبرا از من سؤال پرسید» (شیخ مفید، بی‌تا: ۱/ ۳۷۷) و محلی برای بحث و مناظره بود. در دوره آل بویه، مساجد، یکی از مراکز علمی محسوب می‌شد که در آن فقها و محدثین به تدریس مشغول بودند.

مسجد جامع منصور در بغداد در محله کرخ قرار داشت و در این مکان سه مسجد آدینه هست که یکی از آنها جامع منصور است (اصطخری، ۱۳۶۸: ۸۵). نخستین مسجد ساخته شده در بغداد بود که برای برگزاری نماز جمعه به کار میرفت. این مسجد در سال ۱۴۵ ه. ق توسط منصور خلیفه عباسی ساخته شد و به دست خلیفه هارون الرشید بازسازی گردید و به دست معتضد خلیفه عباسی به سال ۲۸۰ ه. ق گسترش یافت تا انبوه بیشتری از مردم را در خود جای دهد (خطیب بغدادی، بی‌تا: ۱/ ۱۲۲). جامع منصور در سراسر سده‌های سوم چهارم و پنجم هجری از یک سو دیدارگاه اصلی حنبلیان و از سوی دیگر شافعیان ماند. در این دوران حاکمان آل بویه بسیار به این مسجد اهمیت می‌دادند زیرا محدثان در این مسجد احادیث می‌نوشتند و حلقه‌های درس داشتند. شماره (احمد، ۱۳۶۸: ۱۲۲).

۶- مسجد جامع براثا در بغداد

در کنار بغداد و بر روی کرخ است و در جنوب محله باب محول قرار داده شده است در این محله مسجدی بود که به شیعیان اختصاص داشت و به جهت سب صحابه خراب شد تا اینکه بجکم امیرالامراء بغداد در سال ۳۲۸ دستور بازسازی این مسجد را داد این مسجد یکی از مراکز آموزشی شیعیان در بغداد در روزگار آل بویه بوده است (حموی، ۱۳۷۶: ۱/ ۳۶۲).

۷- بیمارستان: محل نگهداری بیماران. واژه‌ای فارسی (بیمار یا ومار+ پسوند مکان «ستان»). از آغاز ارتباط مسلمانان با بیمارستان و پزشکان جندی شاپور ایران به همان شکل یا به صورت مارستان در منابع عربی وارد شده و به کار رفته است. در بعضی مناطق یا دوره‌های تاریخی دارالشفاء و یا دار المرضی نیز به کار رفته است. بیمارستان‌های بزرگ سازمان اداری، پزشکان، پرستاران، بخش‌های مختلف درمانی و ناظران بوده است. رئیس پزشکان بیمارستان را ساعور می‌نامیدند که به متولی بیمارستان هم به شمار می‌آمد. بیمارستان‌ها در کنار ارائه خدمات درمانی، مرکز اصلی آموزش پزشکی نیز محسوب می‌شدند (سجادی، ۱۳۸۳: ۱۳/ ۴۵۴).

یکی دیگر از مکان‌های علمی و آموزشی در این دوره بیمارستان‌ها می‌باشد که علاوه بر درمان بیماران محلی برای تدریس طب نیز به شمار می‌رفت پزشکی در این دوران به دلیل توجه حاکمان آل بویه و برقراری آرامش نسبی در این دوره شکوفایی بیشتری یافت در این میان بغداد در شکل‌گیری این مراکز و جذب پزشکان و دانشمندان نقش چشمگیری داشت. اولین بیمارستانی که در زمان آل بویه در بغداد ساخته شد توسط مزدالدوله بویه‌ای بود که در سال ۳۵۵ قمری در کنار پل دجله ساخته شد و اوقاف و املاکی با درآمد سالانه ۵۰۰۰ دینار برای آن معین شد (ابن جوزی، بی تا: ۱۴/ ۱۷۵).

در میان امرای آل بویه، عضدالدوله درجذب پزشکان و دانشمندان تلاش می‌کرد همچنین غیر از پزشکان بر شعرا و مهندسان و اطبا مواجب، مقرر می‌داشت. در سال ۳۷۱ هجری بیمارستان در قسمت غربی بنا کرد همه مایحتاج آن را اعم از طبیب، دوا و شربت فراهم ساخت (میرخواند، ۱۳۷۵: ۱/ ۶۱۹). این بیمارستان پس از درگذشت او به بیمارستان عضدی شهرت یافت. عضدالدوله دیلمی برای همه افرادی که در بیمارستان کار میکردند از جمله پزشکان، خدمتکاران و سرپرستان بیمارستان، هزینه فراوانی را در نظر گرفته بود و هر آنچه از داورها و گیاهان دارویی مورد نیاز بود به بیمارستان می‌فرستاد (ابن جوزی، بی تا: ۱۴/ ۲۸۹). عضدالدوله از مناطق مختلف قلمرو تحت حاکمیت خود پزشکان متعددی را در بغداد به گرد هم آورد. شناخته‌شده‌ترین چهره در میان آن‌ها جبرئیل ماهانه بود. (کبیر، ۱۳۸۱: ۲۶۸). ابو یعقوب اهوازی از مشاهیر اطبا در این دوران است که عضدالدوله ایشان را برای بیمارستان عضدی در بغداد برگزید (قفطی، ۱۳۷۱: ۵۸۴). بیمارستان به دو بخش جداگانه تقسیم می‌شد؛ بخش مردان و بخش زنان و برای هر بخش، تمام ابزار و آلات پزشکی و خدمتکاران و فراشان و مرد و زن و مأموران و بازرسان تجهیز شده بود. هر یک از این دو بخش نیز چندین تالار برای انواع بیماری‌ها در نظر گرفته شده بود که از جمله آن می‌توان به تالاری برای بیماری‌های داخلی، تالاری برای جراحی، تالاری برای چشم‌پزشکی و تالاری برای شکسته‌بندی. بیمارستان همچنین داروخانه‌ای به نام شراب‌خانه

داشت که رئیس آن را شیخ صیدلی (رئیس داروخانه) می‌خواندند. رئیسی به‌عنوان ساعور نیز آنجا را اداره می‌کرد به معنای کسی که از احوال بیماران پرسش می‌کند و هر بخش رئیس مستقلی داشت (عیسی بک، ۱۳۷۰: ۳۰).

بیمارستان‌های دیگری که در این دوره در بغداد ساخته شد توسط فخرالملک وزیر بهادوله ابو نصر بن اسدالدوله و سلطان الدوله ابوشجاع فنا خسرو بود.

بیمارستان‌های اسلامی در این دوران در کمال نظم و ترتیب اداره می‌شدند و بدون توجه به ملیت و مذهب و شغل همه بیماران با نهایت دقت معالجه می‌شدند و دوا و غذای آنها را فراهم می‌کردند. اگر مریضی بهبود می‌یافت، مرخص می‌شد و هر کس می‌مُرد مخارج کفش و دفن او را بیمارستان می‌داد و در عین حال طبو داروسازی نیز در همان محل تدریس می‌شد. شاگردان علاوه بر تحصیل علمی تمرین عملی نیز داشتند (زیدان، ۱۳۶۹: ۶۱۰).

۸- دکان‌ها و محل‌های کسب و فن

از دیگر مکان‌های آموزشی این عصر می‌توان به دکان‌ها و محل‌های کسب اشاره کرد. تعدادی از استادان، کلاس‌های درس خویش را در مغازه‌هایشان برپا می‌ساختند. احمد در کتاب خود می‌گوید یک استاد علم الفرائض، پیوسته کلاس‌های خود را منظم میان نمازهای شام و خفتن در مغازه‌اش برگزار می‌کرد. دانشمندی دیگر در سال ۳۷۴ قمری در مغازه خود حدیث روایت می‌کرد. همچنین می‌گویند احمد بن حنبل در مغازه یک بافنده، حدیث روایت می‌کرده است (احمد، ۱۳۶۸: ۱۴۲). از دیگر محل‌های کسب و کار دکان‌های وراقان بود که علما و ادبا در آن جمع می‌شدند و به بحث و مناظره می‌پرداختند که نشان‌دهنده این است که این وراقان خود نیز از علما و افراد در پی کسب علم بودند. ابن ندیم خود از بزرگ‌ترین کتاب‌شناسان آن عصر بود. دکان صحافی او می‌عادگاه مناسب دانشوران قرار گرفته بود (کرم، ۱۳۷۵: ۱۹۳). کتاب‌فروشی‌ها نیز محل دیدار دانشجویان و دانشمندان بودند و در آنجا به گفتگو و مباحثه می‌پرداختند. کتاب‌فروشان خود ادیبان با فرهنگی بودند و دانشوران را به‌سوی کتاب‌فروشی‌های خود می‌کشاندند (شلبی، بی‌تا: ۵۹).

منازل علما و دانشمندان یکی دیگر از مشخصات نظام آموزشی در اسلام این است که حلقه‌های آموزشی در منازل علما و دانشمندان دایر می‌شد و طلاب و دوستداران دانش برای کسب علم و دانش در آنجا حاضر می‌شدند خانه‌های دانشمندان در زمینه آموزشی نقش فعالی داشته و مشکلات علمی بسیاری از دانشجویان را حل می‌کرد و این دانشمندان هر کدام به دلیلی در خانه خود حلقه‌های درسی تشکیل می‌دادند از جمله دانشمندانی که در بغداد در خانه‌های خود حلقه‌های علمی تشکیل دادند از این جمله هستند سفر دبیس متوفای ۱۳۵ که از سال ۳۰۵ به

بغداد آمد و تا مرگش دیدارگاه دانشمندان همه رشته‌ها بود (احمد، ۱۳۶۸: ۱۴۰). از افراد دیگری که در این دوره در خانه خود مجالس علمی ترتیب می‌داد ابوسلیمان سجستانی است. او ساکن بغداد بود و بزرگان به خانه او روی می‌آوردند. او از یک چشم نابینا و مبتلا به بیماری پیری بود که به همین دلیل از مردم کناره‌گیری نمود و خانه نشین شد و جز دانشجویانش کسی نزد وی نمی‌رفت. یکی از شیفتگان او ابوحیان توحیدی است که کتاب الامتاع و المواسسه را برای او تالیف کرده است (ابن ندیم، ۱۳۴۶: ۴۷۶). از کسانی که در نشست‌های او حضور می‌یافتند ابو زکریای صیمری، ابوالفتح نوشجانی، ابومحمد مقدسی و قومسی بودند که هر کدام از اینان در دانش خود بی‌همتا هستند (ابوحیان توحیدی، بی‌تا: ۱۲۰). علمای شیعی هم در این دوره در خانه‌های خود مجالس علمی برگزار می‌کردند از جمله شیخ مفید که مجالس درس خود را در خانه‌ای در محله کرخ برپا می‌کرد این مجالس پذیرای همه دانشمندان و طالبان علم بود. جایگاه اجتماعی شیخ تا بدانجا بود که امیرالدوله دیلمی جهت ملاقات ایشان به منزلش رفت و در مجالس درس و بحث وی شرکت می‌کرد و پیوسته ملازمتش می‌نمود (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۲ / ۳۰۹). سلطان عزالدوله هر روز ده من نان و پنج من گوشت برای مجلس او مقرر داشت (تنکابنی، بی‌تا: ۳۸۹). شریف مرتضی نیز دارای خانه‌هایی بود که محل ضیافت و پناهگاه بی‌پناهان و محل درس و بحث بود. و دارای کتابخانه نفیسی بوده است. امالی سید مرتضی همان مجالس درس او است که در سال ۴۲۴ با شورش سپاهیان ترک، جلال الدوله بویه‌ای او را وادار به تغییر محل زندگی خود و خانواده‌اش ساخت و او به مرحله محله کرخ رفت. مردم کرخ، ثناگویان از او استقبال کردند و سپس به خانه المرتضی وارد شد (ابن اثیر، ۱۳۵۱: ۸ / ۲۰۸).

۹- کتابخانه‌ها و دارالعلم‌ها

کتابخانه: یا کُتُبخانه یا مکتب یا دارالکتب گفته می‌شده است. بنا یا ابنیه‌ای که مجموعه‌ای از کتب یا نسخ خطی و امثال آن نه جهت فروش بلکه برای استفاده و مطالعه در آن نگهداری می‌کنند. در دوره اسلامی، در هر مسجد جامع یک کتابخانه وجود داشت و رسم دانشمندان بر آن بود تا کتابهای خود را بر آن وقف کنند. بسیاری از کتابخانه‌ها، مراجعین خود را در زمینه‌های مختلف محل زندگی و غذا و کاغذ و مرکب یاری می‌کردند (مصاحب، ۱۳۷۴: ۱ / ۲۱۷۷)؛

Brand, 1986, "Madrasa", 5/ 1123; Heffening and pearson, "Maktaba"

1991, 6/ 200

دارالعلم‌ها نیز دارای این ویژگی‌ها بودند؛ آن‌ها موسسات وقفی بودند که ساختمان ویژه‌ای داشته و قبل از هر چیز به عنوان کتابخانه عمومی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. تبلیغات عقیدتی عموماً یک اصل پنهانی در این مؤسسات بوده است. استقرار دانشمندان در دارالعلم امر آموزش

و نیز آمدن دانشجویان را موجب می‌شده است (العش، ۱۳۷۲: ۱۶۴). دوره آل بویه یکی از دوران‌های درخشان عصر تأسیس کتابخانه در جوامع اسلامی چه در ایران و چه در عراق می‌باشد. در شهرهای مختلف ایران و عراق کتابخانه‌هایی وجود داشت که در هیچ زمانی نظیر آن به وجود نیامد.

دارالعلم و کتابخانه ابونصر شاپور بن اردشیر دیلمی در بغداد

شاپور وزیر بهاءالدوله از وزیران بزرگ آل بویه بود که در زمینه‌های دیوان‌سالاری و علم و دانش شایستگی و صلاحیت داشت. او در سال ۳۸۳ خانه‌ای در کرخ در منطقه بین السودین خریداری کرد که زیباترین و پر رفت و آمدترین نقطه این محله در فاصله بین دو برج شهر واقع بود. به همین دلیل آن را بین السودین بین دو دیوار می‌نامیدند و آن را ساختمان کرده و به دارالعلم موسوم ساخت که مسلمانان و اهل علم از آن بهره‌مند می‌شدند (ابن اثیر، ۱۳۵۱: ۱۵/۲۱۷). در همان سال وی در محله کرخ بغداد، دارالعلم (دانشگاهی) ساخت و کتب زیادی نیز برای آن وقف کرد (السیوطی، ۱۴۲۷ق: ۱/۳۵۶). از ویژگی‌هایی که سال‌ها و بلکه قرن‌ها از عمر آن می‌گذشت (همایون فرخ، ۱۳۴۷: ۶/۲؛ سعیدی رضوانی، ۱۳۶۸: ۹۱؛ زرین‌کوب، ۱۳۶۲: ۴۱). دارالعلم شاپور به تقلید از دانشگاه فاطمیان ساخته شد (ایمانی فر، همان: ۲۶۵). ازجمله عوامل مهمی که باعث عظمت و شکوه دارای علم شاپور شد می‌توان به این موارد اشاره کرد یک عمر طولانی شاپور بود که حدود ۸۰ سال سن داشت و از همان جوانی به فکر تأسیس دارالعلم عمومی بود که دانشجویان برای تکمیل معلومات خود بیش از هر چیز به به کتابخانه مجهز نیاز داشتند باید به آن اشاره کرد ثروت و موقعیت شاپور بود که توانست کتاب‌های نایاب را پیدا کند و همچنین فرهنگ غنی که در شاپور وجود بیشتر به دلیل شغل او بود که او در ابتدا کاتب بوده و باعث جمع آوری کتب بسیاری در این دارالعلم شد. نکته بعدی را نیز می‌توان عمومی بودن این دارالعلم نامید که موجب ترغیب افرادی برای اهدای کتاب شده بود. از نکات قابل توجه دیگر در این دارالعلم این بود که آثار مربوط طب، نجوم، فلسفه، هندسه در این کتابخانه موجود بود و این مسئله نشان می‌دهد که علوم باستانی هم در کتابخانه‌ای که عنصر مذهبی برای مسلط بوده مرتبط بوده است (العش، ۱۳۷۲: ۱۲۵).

کتابخانه شیخ طوسی در بغداد: شیخ طوسی حدود چهل سال در بغداد اقامت گزید. او در طی این سال‌ها به امور علمی و فرهنگی بسیاری اهتمام نمود که ازجمله آن می‌توان به کتابخانه اشاره کرد. این کتابخانه اغلب منابع و مدارک فقهی و کلامی و سایر رشته‌های علوم اسلامی را

دارا بود. گفته می‌شود در سال ۴۴۹ هجری آتش‌سوزی در محله کرخ بغداد اتفاق می‌افتد و متأسفانه بسیاری از کتاب‌ها نیز از بین می‌روند (موسوی، ۱۳۸۱: ۲۸۲؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق: ۱۶/۱۶). **دارالعلم و کتابخانه سید رضی در بغداد:** دارالعلم سید رضی دارای ساختمان‌ها و اتاق‌هایی برای سخنرانی تدریس و همچنین شامل جلسات بحث و گفتگوهای علمی بود. همچنین اتاق‌هایی برای اسکان دانشجویان داشت این دارالعلم برای تمام نیازهای طالبان برنامه داشت که آنها را برآورده کند و در آن محل برای آنها کتابخوانی مهیا کرد و جهت تسهیل استفاده از کتابخانه به تعداد طلبه کلیدهای ساخت تا منتظر خازن کتابخانه نشوند (ابن عنبه، بی‌تا: ۱۷۲). سید رضی در عهد بهاء الدوله دیلمی در کنار مدرسه خود^۱ در بغداد کتابخانه بزرگی شامل هشتاد هزار جلد کتاب بنا کرده بود. این مجموعه شامل با ارزش‌ترین و مهم‌ترین مراجع و منابع عربی و اسلامی را تشکیل می‌داد (ایمانی فر، همان: ۲۲۶؛ موسوی، ۱۳۸۱: ۱۶۷).

سید رضی مرکز فرهنگی دارالعلم را تأسیس کرد. در این مرکز فرهنگی، دانشمندان و محققان و همچنین مدرسان مورد حمایت مالی قرار می‌گرفتند. در این مرکز آموزشی همه امکانات آموزشی و تحقیقاتی به صورت رایگان در اختیارشان گذارده می‌شد. سید رضی همچنین شخصی را مسئول نگهداری این گنجینه علمی و ادبی کرده بود. اما بعدها به علت اینکه کتابدار این مجموعه حضور نداشت سید رضی فوراً دستور داد به هریک از محققین کلیدی بسپارند تا بتوانند مستقیماً از کتابخانه بهره‌گیرند (کبیر، ۱۳۸۱: ۳۰۲).

کتابخانه سید مرتضی در بغداد: سید مرتضی قسمتی از خانه وسیع خودش را برای اهالی علم و دانش در نظر گرفته بود و فضلا و دانشمندان و یا شاگردان ایشان با استفاده از آن کتابخانه به تحصیل بحث و تحقیق و مذاکرات علمی و تألیف اشتغال می‌ورزیدند. سید مرتضی نقیب علویان و در علم کلام و ادب و شعر، پیشتاز علمای عصر خود بود علمای عراق در مسایل علمی به او مراجعه و مشکلات علمی خود را به یاری او برطرف می‌کردند (موسوی، ۱۳۸۱: ۱۷۲ و ۱۷۶).

نتیجه‌گیری

^۱ - وی در نزدیکی خانه خویش در محله کرخ بغداد مدرسه‌ای تأسیس کرد و آن را دارالعلم نامید این مدرسه ساختمان‌ها و تالارهایی برای تدریس سخنرانی و محلی برای جلسات بحث و گفتگوهای علمی و اتاق‌هایی به عنوان خوابگاه دانشجویی قرار داشت. سیر رضی سرپرستی سه بخش مختلف مدرسه را خود بر عهده داشت و شخصا به امور آن رسیدگی می‌کرد. تلاش او به این دلیل بود که دانشجویان با فراغ بال و آسودگی خاطر به درس خواندن مشغول باشند و به همین جهت تمام هزینه مدرسه و دانشجویان را خود، می‌پرداخت (موسوی، همان، ۱۶۷).

حکومت آل بویه یکی از حکومت‌های شیعه‌مذهب در تاریخ میانه ایران است که نه تنها در مناسبات سیاسی و قدرت بلکه در زمینه‌های علمی و فرهنگی و تمدنی نیز جایگاه بالایی داشتند. در این دوران، حاکمان آل بویه از جمله معزالدوله و عضدالدوله دیلمی برای به وجود آوردن مراکز و نهادهای علمی و آموزشی همت بسیار گماردند. این مراکز و نهادهای آموزشی هم در ایران و هم در عراق عرب تعداد بسیار زیادی را به خود اختصاص داده بود. موارد مهمی که می‌توان در این زمینه به آن اشاره کرد این مطلب است که تسامح و تساهل مذهبی، امنیت و اقتصاد پویا سه عامل مهم برای پیشرفت جایگاه علمی و تمدنی این دوره می‌تواند به شمار آید. حاکمان آل بویه علاوه بر اینکه توانستند آرامش و امنیت قابل توجهی در ایران و عراق در زمان حکومتشان به وجود بیاورند این موضوع بسیار توانست بر روی مباحث علمی و دانشی نیز تاثیر بگذارد. شهر بغداد یکی از مهمترین شهرهای این دوران است که توسط حاکمان آل بویه تبدیل به یک مرکز علمی و تمدنی شده بود. بیمارستان‌ها، مساجد، کتابخانه‌ها، دارالعلم‌ها، مکتبخانه‌ها، رصدخانه‌ها و خانه‌های بزرگان و علما و همچنین محل‌های کسب و کار در شهر بغداد از جمله مراکز و نهادهای علم و دانش در این شهر در طی تسلط حاکمان آل بویه بر شهر بغداد نمایانگر این جایگاه والای فرهنگی است.

کتابنامه

- آگ برن، ویلیام فیلدینگ و مایر فرانسیس نیم کوف (۱۳۵۷)، زمینه جامعه شناسی، ترجمه ا.ح آریان پور، شرکت سهامی کتابهای جیبی با همکاری انتشارات فرانکلین: تهران
- ایمانی فر، محمد (۱۳۸۹)، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در دوره‌ی آل بویه*، بی جا: انتشارات.
- ابن اثیر (۱۳۵۱)، *تاریخ بزرگ ایران و اسلام*، ترجمه: هاشم حائری، جلد هشتم و پانزدهم، تهران: انتشارات کتب علمی.
- ابن جوزی، أبی الفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲ق / ۱۹۹۲م)، *المنتظم فی التاریخ الامم و الملوک*، جلد ۱۳ و جلد ۱۶، بیروت: دارالکتب العلمیه
- ابن عنبه، احمد بن علی (بی تا)، *عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب*، بیروت: منشورات دارالمکتبه.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۴۶)، *الفهرست*، مترجم محمد رضا تجدد، تهران، ناشر چاپخانه بانگ بازرگانی ایران.
- اروجی، فاطمه و اکبر کاظم زاده (۱۳۹۵)، *حیات اجتماعی اقلیت‌های دینی در دوره آل بویه*، تاریخنامه ایران بعد از اسلام، شماره ۱۲.
- ابوحنان توحیدی، علی بن محمد (بی تا)، *المقابسات*، قاهره: المطبعة الرحمانية.

- بیگی، محمدحسن و فرهاد صبوری فر (۱۳۹۶)، نگرشی بر علم نجوم و ساخت رصدخانه‌ها در دنیای اسلام، فصلنامه تاریخ روایی، سال دوم، شماره ۶.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۲)، نظام‌ها و نهادهای آموزشی در ایران باستان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: تهران. دارالکتب العلمیه: بیروت.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم، ج ۷ و ۱۴، تحقیق: عطا مصطفی عبدالقادر، تصحیح نعیم زرزور، لبنان، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
- احمد، منیرالدین (۱۳۶۸)، نهاد آموزش اسلامی، ترجمه محمد حسین ساکت، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۸۵)، مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، جلد دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- الگود، سیریل (۱۳۵۶)، تاریخ پزشکی ایران و سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه دکتر باهر قربانی، انتشارات امیرکبیر: تهران.
- تنکابنی، محمد میرزا (بی‌تا)، قصص العلماء، تهران: انتشارات اسلامیه.
- ثواقب، جهان‌بخش (۱۳۸۱) سیر آموزش در میان مسلمین، انتشارات اسوه: تهران.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، جلد اول، درسه و تحقیق عطا مصطفی عبدالقادر، بیروت، دارالکتب علمیه، بی‌تا.
- حموی، یاقوت (۱۳۷۶)، معجم البلدان، ج ۱، مترجم علی نقی منزوی، تهران: انتشارات توس.
- خواندمیر، (۱۳۵۳)، حبیب السیر، جلد دوم، تهران: انتشارات خیام.
- الدجیلی، کاظم (۱۲۹۳ق)، مکتبات / النجف، در مجله لغه العرب، شماره ۳۵.
- رفاعی، انور (۱۳۹۲)، تاریخ‌واره علوم، سیاست، دیوان و هنر در اسلام، ترجمه: حمیدرضا آژیر، بنیاد پژوهش‌های اسلامی: مشهد.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲)، کارنامه اسلام، انتشارات امیرکبیر: تهران.
- زیدان، جرجی (۱۳۶۹)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- السباعی، محمد مکی (۱۳۷۳)، نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ترجمه دکتر علی شکویی، سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی: تهران.
- سجادی، صادق (۱۳۸۳)، ذیل "بیمارستان"، دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۳، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی: تهران.
- سعیدی رضوانی، عباس (۱۳۶۸)، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی: مشهد.

- سلطان زاده، حسین (۱۳۹۵)، موقعیت مساجد جامع و ارتباط آن‌ها با سایر فضاهاى مهم در شهرهاى تاريخى، مجله پژوهش‌هاى جغرافياى انسانى، دوره چهل و هشتم، شماره ۲
- السيوطى، جلال الدين عبدالرحمن (۱۴۲۷ق/ ۲۰۰۶م)، بغية الوعاة فى الطبقات اللغويين و النحاة، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، جلد ۱، المكتبة العصرية: بيروت
- شلبى، احمد (بى‌تا)، آموزش در اسلام، ترجمه محمد حسين ساكت، بى‌جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامى.
- شهيدى صالحى، عبدالحسين (۱۳۷۴)، مدرسه كربلا از آغاز تا آل بويه، در مجله حوزه، سال دوازدهم، شماره ۷۲
- شيخ مفيد، محمد بن نعمان (بى‌تا)، الفصول المختارة، جلد اول، تحقيق: على ميرشريفى و ديگران، قم، كنگره شيخ مفيد.
- صفرزايى، عبدالله (۱۳۹۶)، مقايسه نهادهای آموزشی عصر ساسانی با ایران دوره اسلامی تا قرن پنجم هجرى، رساله دكتورى، استاد راهنما: دكتور محمد تقى ايمانپور، دانشكده ادبيات و علوم انسانى دكتور شريعتى، دانشگاه فردوسى مشهد.
- عابدینى، ابوالفضل و مهدى قهرمانى (۱۳۹۰)، مقايسه نظام آموزشى و مراكز علمى آل بويه و سلجوقيان، پژوهش نامه معارف قرآنى، شماره ۵.
- عاملی، سعيد رضا (۱۳۹۰)، ميراث تمدنى ايران از ايران باستان تا ايران انقلاب اسلامى، جلد ۱، پژوهشكده مطالعات فرهنگى: تهران.
- العشى، يوسف (۱۳۷۲)، كتابخانه‌هاى عمومى و نيمه عمومى عربى در قرون وسطى (بين النهدين، سوریه و مصر)، انتشارات بنياد پژوهش‌هاى اسلامى: مشهد.
- عيسى بك، احمد (۱۳۷۰)، تاريخ بیمارستان‌ها در اسلام، ترجمه: نورالله كسايى، تهران: انتشارات علمى و فرهنگى
- فتح الله پور، پرويز (۱۳۸۳)، «روحانيون شيعه در ايران علل نفوذ و اقتدار»، در مجله شيعه شناسى، شماره ۶.
- فينستر، باربارا (۱۳۹۲)، مساجد اوليه ايران از آغاز تا دوران حكومت سلجوقيان، ترجمه فرامرز نجد سميعى، تهران: انتشارات پازينه.
- قفطى، جمال الدين (۱۳۷۱)، تاريخ الحكماء، به كوشش بهمن دارابى، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- كبير، مفيز الله (۱۳۸۴)، نظام ديوانى بويان (بالندگى فرهنگى در زمان بويان)، مجموعه مقالات بويان، گردآورنده: كلود كاهن، ترجمه يعقوب آژند: انتشارات مولى: تهران.
- كبير، مفيزالله (۱۳۸۱)، آل بويه در بغداد، ترجمه: مهدى افشار، تهران: انتشارات رفعت.

- کرمر، جوئل، **احیای فرهنگی در عهد آل بویه**، مترجم سعید حنایی کاشانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۵
- گراوند، مجتبی و ایرج سوری (۱۳۹۶)، **واکاوی پیامدهای حکومت آل بویه عراق بر ساختار سیاسی اسلام**، فصلنامه تاریخ نو، شماره ۱۸.
- لین پل، استانلی و دیگران (۱۳۶۳)، **تاریخ دولت‌های اسلامی و خاندان‌های حکومت گر**، جلد ۱، ترجمه صادق سجادی، نشر تاریخ ایران: تهران.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۷۴)، **دایره المعارف فارسی مصاحب**، ذیل «مدرسه»، جلد ۱ و ۲، انتشارات فرانکلین: تهران.
- معین، محمد (۱۳۴۵)، **فرهنگ فارسی معین**، ذیل «مدرسه» و ذیل «مسجد»، جلد ۳ و ۴، انتشارات امیر کبیر: تهران.
- مقدسی، محمد بن احمد (۱۳۶۱)، **احسن التقاسیم و معرفه الاقالیم**، ترجمه علی نقی منزوی، جلد دوم، تهران: انتشارات کومش.
- موسوی، حسن (۱۳۸۱)، **زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد**، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی: قم.
- میرخواند، محمد بن خاوندشاه بلخی (۱۳۷۵) **روضه الصفا**، جلد اول تهران: انتشارات علمی.
- ناجی، محمد رضا (۱۳۸۶)، **فرهنگ و تمدن در قلمرو سامانیان**، انتشارات امیر کبیر: تهران.
- نفیسی، علی اکبر (۱۳۴۳)، **فرهنگ نفیسی**، ذیل «مدرسه» و ذیل «مسجد»، جلد ۵، کتابفروشی خیام: تهران.
- همایون فرخ، رکن الدین (۱۳۴۷)، **کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران (تاریخچه کتابخانه‌های ایران از صدر اسلام تا عصر کنونی)**، جلد ۲، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر: تهران.
- Brand, R. Hillen, (1986), "Madrassa", The Encyclopaedia of Islam, new edition, Edited by: C.E. Bosworth, E. van Donzel, B. Lewis and Ch. Pellat, v 5, E.J. Brill: Leiden.
- Heffening, W, (1991), "Maktaba", The Encyclopaedia of Islam, new edition, Edited by: C.E. Bosworth, E. van Donzel, B. Lewis and Ch. Pellat, v 6, E.J. Brill: Leiden.